



دوراهی شراکت

شراکت زاینده زندگی اجتماعی و ضامن حفظ و بقای آن است. «سرمایه از ما کار از شما»، «نیاز به شریک سرمایه‌گذار»، و ... از جمله سرفصل‌های منتشره در بخش آگهی روزنامه‌ها است که گاه مخاطبان را به «هوس» می‌اندازند «شانس» خود را امتحان کنند.

برخی معتقدند شراکت زاینده نقص انسان است و افراد زمانی تصمیم به این کار می‌گیرند که کمبودی را در خود احساس کنند. عده‌ای هم آن را ناشی از زیاده‌خواهی می‌پندارند و می‌گویند اگر انسان به آن چه دارد قناعت کند نیازی به شریک پیدا نخواهد کرد. بعضی‌ها شراکت را برای تحقق بخشیدن به اهداف خود الزامی می‌دانند و می‌گویند «یک دست صدا ندارد». عده دیگری هم هستند که اصولاً نظر خوبی نسبت به شراکت ندارند و می‌گویند «شریک اگر خوب بود خدا هم برای خودش می‌گرفت»!

صرف نظر از علل شراکت و صرف نظر از درست یا غلط بودن آن باید بپذیریم که درگیر شدن در این پدیده امری متداول و در برخی موارد اجتناب‌ناپذیر است. در پاره‌ای از موارد، مثلاً در ازدواج یا در سرمایه‌گذاری مشترک

شرکت‌ها، یک چارچوب تعریف شده و معین (به عنوان سند ازدواج یا قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک) رابطه طرفین را تابع ضوابط می‌کند. اما گاه افراد در قالبی که قانون بر آن حاکم نیست دست به شراکت می‌زنند و با یک سری قول و قرارهای شفاهی، بدون اطلاع از اصول با هم کار کردن، و با کلی تعارفات «خانمان برانداز» شروع به کار می‌کنند. این نوع شراکت‌ها عمدتاً با مشکل روبه‌رو می‌شوند و ضمن ایجاد تبعات مالی و روحی ناخوشایند برای طرفین، ذهنیت بدی را نسبت به پدیده شراکت در جامعه ایجاد می‌کنند.

یک راه مؤثر برای جلوگیری از شراکت‌های بی‌قاعده، مداخله سازمان‌ها و نهادهای ذیربط در این قبیل روابط کاری و ترغیب افراد (از طریق سیاست‌های تشویقی) به ضابطه‌مند کردن رابطه شراکت از مرحله شکل‌گیری و انتخاب شریک تا مرحله قطع رابطه است که می‌تواند ضمن تضمین یک فعالیت مشترک اقتصادی سالم و قاعده‌مند، نگرش مثبت نسبت به مسئله شراکت و انجام فعالیت‌های جمعی و گروهی را در جامعه تقویت کند. شراکت به خودی خود بد نیست، راه و روش آن باید درست باشد.

